مجوز ویژه قضایی دولت به وزیر جدید صنعت

روزنامه خراسان در ستون (خبرهای) ویژه خود نوشت:بر اساس ابلاغیه روزهای اخیر یک مسئول ارشد اجرایی به رضا رحمانی وزیر صنعت، معدن و تجارت، اعلام شده حسب پیشنهاد سال گذشته این وزارتخانه و تایید روزهای اخیر هیئت دولت، مقرر شده به استناد اصل ۱۳۹ قانون اساسی، احکام قطعی محاکم دادگستری علیه برخی صنایع و افراد حقیقی و همچنین ادعاهای متقابل افراد مذکور علیه سازمان گسترش و نوسازی صنایع، اقدام به صلح با رعایت قوانین مربوط و صرفه و صلاح دولت شود.

سالخوردگانی که در تشخیص شان دچار اشتباه می شوند، جای خود را به جوان ها بدهند

انتقاد روزنامه جمهوری اسلامی از خطبه اخیر موحدی کرمانی: سالخوردگانی که در تشخیص شان دچار اشتباه می شوند،جای خود را به جوان‌ها بدهند. روزنامه جمهوری اسلامی نوشت:این روزها علاوه بر معضلات اقتصادی و معیشتی که مردم با آن دست و پنجه نرم می‌کنند شاهد اظهاراتی هستیم که تلخیِ آن کمتر از قِسم اول مشکلات موجود در کشور نیست.

بـه این جمله توجه نمایید:وی (آیتا... موحدی کرمانی) تصریح کرد: امام‌زمان(عج) غایب است اما نائبش حاضر است و حکومت را به شکلی اداره می‌کند که اگر حضرت مهدی (عج) هم حضور داشت به همین شکل اداره می‌کرد.(خبرگزاری مهر)

این سخن را نه جوانی جویای نام و نه شخصیتی بی‌بهره از آموزه‌های دینی که انسانی پخته و صاحب سوابق سیاسی، اجتماعی و مذهبی فراوان بر زبان رانده است.

حقیقتا از این بیانات ابتدا تعجب نمودم و سپس تاسف فراوان خوردم و یاد این عبارت معروف افتادم که چه می‌خواستیم و چه شد!

اگر شـعارهای سـال‌های آغازین انقلاب را مرور کنیم نیک می‌بینیم که بانیان بنای انقلاب، نظام جمهوری اسلامی را مقدمه و به تعبیری زمینه سازِ حکومت جهانی امام زمان علیه‌السلام معرفی می‌کردند و نه عینیت آن.

حکومت مهدوی حکومتی آرمانیَ و بدون نقص است که موعود همه پیامبران و اولیاء الهی است. حکومتی است که بر پهنه پهناور جهان حاکم می‌شود و صالحانی از تبار نور و پاکی بر آن حکومت خواهند نمود.

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (انبیاء ۱۰۵)

طبـق این آیه شـریفه همه عَوامِلَ حکومـت حضرت مَهـدی عَجل‌الله‌تعالی‌فرجه از صلاحیت و شایسـتگی ویژه‌ای برخوردارند. سـوال اینجاسـت که آیا واقعا در روزگار ما و در جامعه پیرامونمان شـرایط آن گونه اسـت که در آیات قرآن درخصوص دوره ظهور منعکس شده است!؟

قطعا نه و باید اذعان کنیم که نه تنها حکومت امروز ما تحقق آن حکومت نیست بلکه با آرمان های آن فرسنگ ها فاصله دارد.

امیدوارم که این اظهارات، سَبقِ لسانی بیش نباشد و این اعتقاد در لایه‌ها و سطوح عالیِ حکومت وجود نداشته باشد.

آرزو می‌کنم حکومت ما تنها و تنها خود را ممهِّد حکومت جهانی حضرت ولی عصر روحی فداه بداند و نه چیزی فراتر از آن.

کاش کمی دقیق‌تر به اظهارنظر می‌پرداختیم.

کاش کمـی از ادبیات ناصوابی که در قاموس ادبیات انقلاب اسـلامی‌مان گنجانده شده فاصله می‌گرفتیم.

کاش کمی مقایسـه‌های نادرسـتی که بین نظام جمهوری اسلامی و حکومت علوی و مهدوی رایج شـده اسـت را و می‌نهادیم و تنها خود را با آنچه که باید باشـیم مقایسه می‌کردیم.

کاش تندروی‌ها به اعتدال و تلخی‌ها به شیرینی مبدل می‌شد.

کاش جایگاه رهبری معظم و ارکان ارزشـمندِ نظام را فدای برداشت‌های نادرستمان از دین نمی‌نمودیم.

کاش از فرصـت مبـارک پدیدِ آمـده در قانون منـع به کارگیری بازنشسـتگان، سـالخوردگان محترم اَنقلاب کَه بعضاً در تشـخیص ها دچار خطا و اشـتباه می‌شوند جای خود را به جوانَان متعهّد، متدین و کارآمد بدهند تا خلل و نقصی در روابط حاکمیت و نسل جوان به وجود نیاید.

ناصرایمانی در گفت‌وگو با روزنامه «قانون»: اصلاح طلبان مخالفان اصلی نواصولگرایی هستند

اظهارات متفاوتی در میان افراد و اقشار جناح اصولگرا درباره نواصولگرایی مطرح است. عده‌ای مخالف این نوآوری و بدعت‌هستند و برخی می‌گویند که اگر به این جماعت میدان داده‌شود، کارهای متفاوتی صورت خواهد گرفت و می‌تواند به آینده جریان سیاسی راستگرای ایران کمک کند. از همان روزهای ابتدایی که محمدباقرقالیباف این واژه سیاسی و تفکر را وارد میدان سیاسـت در ایران کرد، عده‌ای با رویکردهای افراطی و برخی نیز با لحن بی‌توجهی با آن روبه رو شـدند و این درحالی اسـت که وجود شاخه‌های مختلف در یک جریان سیاسی می‌تواند آن‌ها را به گسترش تفکرهای همگرا و متفاوت مفید سوق دهد. در همین راستا و برای بررسی نگاه قشری دیگر از جریان اصولگرا به سراَغ ناصر ایمانی از شخصیت‌های رسانه‌ای و سیاسی رفتیم که گرایش‌های اصولگرایانه دارد. این فرد نیز مانند بیشتر شـخصیت‌های محافظه‌کار نگاهی مبهم به آینده نواصولگرایی دارد و در این زمینه اظهاراتی را بیان کرده است که مشروح گفت‌وگوی او با«قانون» را در ادامه می‌خوانید.

همان‌گونه که می‌دانید آقای‌قالیباف تفکری نو را در میان اصولگرایان به راه انداخته و امروزه جریان نواصولگرا درجامعه درحال شکل گیری است، نظرشما دراین رابطه چیست؟

به نظر من نباید این جریان را جدا ازاصولگرایی دانست زیرا مبانی این جریان ،همان مبنا وموضع اصولگرایان اسـت . وقتی پای سـخنان افراد این جریان می‌نشینیم درخواهیم یافت که جریان نواصولگرا به روش ها وموضع اصولگرایان ایراداتی داشـتند که در همین راسـتا نیز به دنبال روش ها وفکر جدیدتشکل شده اند . به نظر من نباید چندان نگاه منفی به نواصولگرایی داشت و با شکل گیری این جریان، اصولگرایان تقویت خواهندشد و تاثیر گذاری بیشتری درجامعه خواهند داشت.

فکر می‌کنید چه موانعی برسـر این جریان وجود خواهد داشت ؟بی‌شک اصولگرایان با توجه به نوین بودن این جریان، ایراداتی به جریان نواصولگرا خواهند داشـت که موانعی را ایجاد خواهد کرد واز طرف دیگر این جریان ازسمت اصلاح طلب نیز مورد تهاجم جدی قـرار خواهند گرفت. این نکتـه را نیز نباید فراموش کرد که ایـن روزها و همین الان نیز اصـلاح طلبان به صورت بسـیار جدی به این جریان ضربـه وارد می کنند و به آن‌هجمه می‌آورند اما بیشـتر موانع این جریان درونی است. آن‌ها باید تبلیغات داشته باشند و برای تبین افکارعمومی درجامعه ،جذب نیرو تلاش کنند که اگر روی این موارد کارکنند به نظر من رشد خواهند کرد.

اگر قرار باشد مقابله‌ای با این جریان صورت بگیرد به نظر شما بیشترین مخالفت از سوی چه جریانی خواهد بود؟

بـه نظر من کـه در جریـان اصولگرایی فعالیت دارم، بیشـتر مخالفـان این جریان، اصلاح‌طلبان هسـتند. در همین راسـتا نیز اگر دقت کرده باشید تبلیغات گسترده وفعالیت رسانه‌ای زیادی را علیه این جریان وشخص آقای قالیباف شروع کرده اند که نشان می‌دهد این جریان بیشترین مخالفت ها وموانع رابرای این جریان خواهد داشت.

راه‌اندازی پیام‌رسان جایگزین سوئیفت یک ضرورت اقتصادی و امنیتی است

طرح جایگزین سوئیفت، فشارها و خسارت‌های ناشی از تحریم را کاهش می‌دهد. روزنامه قدس در این زمینه نوشت: طرح «راه‌اندازی و استفاده از پیام‌رسان‌های مالی و انعقاد پیمان‌های پولی دو و چندجانبه در تجارت خارجی» که توسـط کارشناسـان اقتصادی تدوین شده و به کمیسیون اقتصادی مجلس برای تصویب رفت، شامل هفت ماده بود که چند راهکار برای رفع مشکلات تحریم و تسهیل و رسمی کردن مبادلات تجاری کشور پیشنهاد داده بود.

سـه راهکار برای جبران قطع سـوئیفت ارائه شـده؛ ۱- از سیسـتم‌های بومی خودمـان اسـتفاده کنیم، مانند سـامانه «سـپام» که در سـال ۹۰ پـس از تحریم‌ها طراحی شـد. ۲- از فناوری بلاک‌چین اسـتفاده کنیم. برای کشـورهای طرف تجاری مـا، یک پیام‌رسـان مالی غیرمتمرکـز را جایگزین کنیـم. ۳- بانک مرکـزی ما از سـامانه‌های جایگزیـن و غیرسـوئیفت، ماننـد CIPS چیـن، SPFS روسـیه و... استفاده کند.

در بندهـای دیگر آمده که ایران خود را به کارت‌های بانکی کشـورهای دیگر سـوئیچ کند تا تقاضای ارزی‌اش، کاهـش یابد. در راهکاری دیگر، انتشـار ارزهای دیجیتال توصیه شده است. این ارزها پدیده نوظهوری است که از آن به عنوان راهکاری برای معاملات غیردلاری و سوئیفتی استفاده می‌شود.

نماینـدگان کنگره آمریکا نیز به دنبال تصویب طرحی مبنی بر قطع همیشـگی دسترسـی ایران به خدمات سوئیفت هستند. همچنین اثبات شده که آمریکا از سیستم سوئیفت به عنوان ابزار رصد اطلاعات مالی کشورها و اعمال فشار دقیق و اثرگذار بر کشورها استفاده می‌کند. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد، مجلس به مبحث جایگزین سوئیفت به صورت جدی‌تر وارد شود.

در شرایطی که کشور دچار مشکلاتی در حوزه تجارت خارجی به ویژه مشکلات صادرکنندگان و واردکنندگان اسـت، الـزام تصویب این قانون جدید برای جایگزینی سـوئیفت وجود دارد. این طرح با مطالعه و کار کارشناسی بالا، بسیار کاربردی است که تجربیات کشـورهای مختلف مانند چین و روسـیه را بررسی کرده و راهکارهای جایگزین ارائه شـده، همگی به صورت بالقوه وجود دارد. اگر مجلس، بانک مرکزی را موظف به این کار کند و الزام‌آفرین باشد، شاهد کاهش فشارها و خسارات ناشی از تحریم خواهیم بود.

چرا ایرانی ها کم‌حرف شده‌اند؟!

فریور خراباتی در ستون طنز روزنامه آرمان نوشت:خانم معصومه ابتکار در مصاحبه‌ای اعلام کرده‌اند که در طول شـبانه‌روز باید هزار و پانصد کلمه میان اعضای یک خانواده رد و بدل شود. ظاهرا این یک عدد استاندارد است که دانشمندان جوان کشورمان کشف کرده‌اند اما اگر بخواهیم به این سـطح استاندارد برسیم، کار بسیار دشواری در پیش داریم؛ از چه جهت؟! عرض می‌کنم!الف- یک سـری از افراد هستند که یک ربع برایشان حرف می‌زنیم و دهانمان کـف می‌کنـد و در نهایت با یک «اوهوم» سـر و ته جواب را هـم می‌آورند. نمونه‌اش وزیر بهداشـت نازنین که پس از کلی ناله و شـکایت پیرمرد نانوا فقط گفت: «خودت بمال». یعنی دو کلمـه که خب ما را به حد اسـتاندارد نمی‌رسـاند.ب- یک نفر به فرزنـدش که خارج از کشور زندگی می‌کند زنگ می‌زند و پس از احوالپرسی می‌گوید: «سوغاتی بفرستم؟!» فرزند می‌گوید: «پس!»، پدر می‌گوید: «از خونه ویلاییت راضی هستی؟!» فرزند می‌گوید: «پس!» پدر می‌گوید: «ارز دولتی برات بفرسـتم؟!» فرزند می‌گوید: «پس! تنک‌یو، بای!» سـر جمع بیست تا کلمه!

ج- یک رئیس‌جمهوری به کشور خارجی می‌رود، همتایش به استقبال گرم رفته و بعد از احوالپرسی ایشان به جای زبان سخن، از زبان بدن استفاده کرده و می‌خندد، چهار حرف! یا در جواب«هاو آر یو؟!» می‌گوید: «پس!» و تمام!

د- در ۹۰درصد از خانه‌های کشـور جملات سوالی از جانب خانم خانه پرسیده می‌شود که آقا جواب می‌دهد: «از کجا بیارم؟!» یا «ندارم!» نهایتا هشت کلمه!

علت تورم کاهش تولید ملی است نه تحریم‌ها

یـک روزنامه حامی دولت می‌گوید تورم موجود ناشـی از سـوءتدبیر دولت و کاهش تولید ملی است و نه تحریم‌های آمریکا.روزنامه آرمان در یادداشتی نوشت: نرخ تورم و سطح عمومی قیمت‌ها ناشی از تصمیماتی است که دولت و مقامات تصمیم‌گیرنده در حوزه‌های پولی و ارزی اتخاذ می‌کنند. تاثیر سیاست‌های مالی دولت و سیاست‌های پولی و بانکی بانک مرکزی نه به صورت آنی بلکه حداقل پس از شش ماه دیده می‌شود؛ به این معنی که تصمیماتی که در حوزه اقتصادی گرفته می‌شود الزاما در همان مقطع منجر به تورم نمی‌شود و با گذر زمان و طی ماه‌های مختلف آرام آرام آثارشان را بر اقتصاد سرازیر می‌کنند. پس از ابعاد روانی سیاست‌های دولت، واقعیاتی اقتصادی باعث افزایش تورم می‌شوند.

در قبال این میزان افزایش تورم باید دید که آیا تولید هم به همین میزان افزایش داشـته است یا خیر؟ پاسخ مشخص است. در حال حاضر تولید ایران حتی به اندازه سال ۹۰ نیز نیست. رشـد فعالیت‌های غیرمولد که هیچ ارزش افزوده‌ای هم نداشـتند به جای فعالیت‌های مولد که می‌توانند باعث رشد تولید شوند باعث شد که نقدینگیِ فعلی موجود سرگردان باشد و باعث افزایش تورم شـود. همان‌طور که پیش‌بینی شـده بود آثار تمام اینها در سه ماهه دوم سال ۹۷ دیده شـد و تورم تک‌رقمی که از سوی دولت اعلام می‌شد به حدود ۱۴ درصد رسیده است؛ هرچند بر سر تورم اعلامی دولت نیز شبهه وجود دارد و چندان نمی‌توان آن را مستند دانست اما بر اساس محاسبات خود دولت نیز تورم تک رقمی، دو رقمی شد و در آینده افزایش نیز خواهد یافت. زیرا اثرات اقدامات پیشین دولت در آینده معلوم خواهد شد.

داستان مرد دانا و کلاغی که دهانش را بوییدند مبادا گفته باشد «دوستت دارم»

وحیـد میرزایـی طنزنویـس روزنامه شـهروند چنین نوشـت:روزی مرد دانا همـراه با تنی چند از یـاران از صحرا می‌گذشـت. در این میـان دو کلاغ جوان نر و مـاده در بالای درختی مشـغول صحبت بودند. کلاغ ماده گفـت: «مرد دانا و یارانش چه باشـکوه طی طریق می‌کنند.» کلاغ نر گفت: «ول کن بابا. از خودت برام بیشتر بگو. رنگ مورد علاقه‌ات چیه؟» مرد دانا قارقار این دو را شنید و وقتی خلوت این دو کلاغ را بر شاخه دید، سخت برآشفت و به یاران گفت: «شما بروید. من کار کوچکی پشت آن درخت دارم.» مرد دانا سپس مشغول گوش دادن به حرف‌های دو کلاغ عاشق و معشوق شد.

کلاغ نر گفـت: « بگووو... اول تـو... اول تو.... رنگ مورد علاقه‌ات؟» کلاغ ماده بی‌توجه به سوال وی گفت: «مرد دانا و یارانش را بنگر. از علم و دانایی تمامند.» کلاغ نر گفت: «آری اما علم و دانایی بدون عشق به چه کار آید؟» کلاغ ماده گفت: «آری اما دانایی هم لذت خودش را دارد.» کلاغ نر گفت: «کدام دانایی؟ اگر اینها دانا بودند که وضعشان اینچنین نبود؟ بابا همش شـوآفه.» کلاغ ماده منقارش را غنچه کرد و گفت: «حالا چرا دعوام می‌کنی؟» کلاغ نر با حفظ شـئونات و عرف موجود در جامعه پرهایش را روی شـانه کلاغ ماده کشـید و گفت: «قربون اون موهای پرکلاغی‌ات برم، دعوات نکردم که.» کلاغ ماده گفت: «بپذیر زندگی ما با آنان متفاوت اسـت. مثلا ببیـن مرد دانا چه جامه زیبایی بر تن دارد اما ما چه؟ همینجور لخت و زشـت.» کلاغ نر سری تکان داد و گفت: «ساده‌ای؟ یه مشت جنس چینی بنجل پوشیده، فقط زرق و برق داره. جنسش پلی‌اسـتره. اصلا پاشو بریم چهار تا شاخه بالاتر یه گردو بهت بدم.» مرد دانا که حرف‌های آن دو را شـنید، سخت برآشفت و به تعدادی از یاران گفت کلاغ نر را نزد وی بیاورند. اندکی بعد کلاغ نر را آوردنـد، درحالی‌که زیر کرک و پرش ریخته بود. مرد دانا گفت: «خب به دانایی ما و دوسـتان ما نقد داشـتی‌ای کلاغ پیـزوری؟» کلاغ گفت: «ای مرد دانا، همانا تو بزرگی و عالم. من آن حرف‌ها را زدم تا نامزدم از من ناامید نشود.» مرد دانـا گفت: «بزرگی و دانایی مـن حکم می‌کند تو را به خاطر نقدهای غیرمنصفانه‌ای که داشتی، رها سازم، اما به خاطر جامعه نمی‌توانم حرکت شـنیع تو با کلاغ مـاده را نادیده بگیرم. اگر من هم بگذرم مردم نخواهند گذشت. پس جلو بیا تا دهانت را ببویم.» کلاغ عاشق جلو رفت. مرد دانا به طرفه‌العینی کلاغ را گرفـت و بال‌هایش را چید. در ادامه مردم باز هم به خاطر این نحوه برخورد مرد دانا با اراذل و اوباش که امنیت روانی جامعه را تهدید می‌کنند، از وی تشکر و قدردانی کردند.

روایت حسام‌الدین آشنا از قتل‌های زنجیره ای

روزنامه شـرق در گزارشـی نوشـت: حمـلات گاه و بی‌گاه چهره‌های تندرو به حسـام‌الدین آشنا، مشاور فرهنگی حسـن روحانی، در شـبکه اجتماعی توییتر و اشـاره به سابقه کاری‌اش در وزارت اطلاعـات و همچنین نسـبتش با آیتا... دری‌نجف‌آبادی، وزیر وقت اطلاعات در زمان کشف قتل‌های زنجیره‌ای، دیروز با واکنش عجیب او روبه‌رو شد. حسام‌الدین آشـنا که داماد دری‌نجف‌آبادی اسـت، در توییترش نوشـت: «مطمئن هستم که وزیر وقت اطلاعات نه در آن جنایات دخیل بوده و نه از آمران آن خبر داشـت. من در همان سـال ۱۳۷۷ در روزنامه‌های انتخاب و جمهوری اسـلامی با نام مسـتعار بهمن شناسـا مطالب لازم را دراین‌باره نوشته‌ام. این پرونده به سخت‌ترین و خشن‌ترین وجه ممکن مورد رسیدگی قرار گرفت. آنچه در سازمان قضائی نیروهای مسلح اتفاق افتاد، به‌هیچ‌وجه کمتر از اصل قتل‌ها نبود. روزی باید از آقای نیازی سـؤالات سختی پرسید!» آشنا توضیح بیشتری نداده است که مقصودش از آن اتفاق و سؤالات سخت چیست!

حجت‌الاسـلام نیازی رئیس سـازمان قضائی نیروهای مسـلح بود که رسـیدگی به پرونده قتل‌های زنجیـره‌ای به او سپرده شـده بود. در شـامگاه اول آذر ۱۳۷۷ هجری شمسی، داریـوش فروهر، رهبـر حزب ملت ایران و همسـرش، پروانه مجد اسکندری، در منزل مسکونی‌شان در خیابان هدایت تهران به قتل رسـیدند. قتل داریوش و پروانـه فروهر چند روز بعد با کشف اجسـاد محمدجعفر پوینده و محمد مختاری و مرگ مشکوک مجید شـریف زلزله‌ای سیاسی به پا کرد. ۱۴ آذرماه همان سـال، مقام معظم رهبری در دیدار گروهی از روحانیون و مبلغـان دینی خواسـتار «پیگیـری جدی قتل‌هـای اخیر از سـوی دولت و قوه قضائیه» شـد. رئیس‌جمهوری وقت هم در حکمی مسـئولان وزارتخانه‌های کشور و اطلاعات را مأمور بررسـی این پرونده کرد. حجت‌الاسـلام نیازی، بعدا گفت که رئیس‌جمهور در تاریخ ۲۱ آذر ماه ۷۷ کمیته‌ای امنیتی-قضائی تشکیل دادند که آقایان یونسی، ربیعی و سرمدی در آن حضور داشتند. بلافاصله کمیته تحقیق قتل‌ها با عضویت وزارتخانه‌های مربوطه در پی دیدار بـا رئیس‌جمهوری با صدور اطلاعیه‌ای از شناسایی طراحان و عاملان قتل‌ها خبر داد. در ششم دی ماه همان سال، پرونده قتل‌های زنجیره‌ای با قرار عدم صلاحیت، از دادگسـتری تهران، به دادسـرای نظامی تهران ارجاع داده شد. مقـام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعـه روز ۲۰ دی ماه ۱۳۷۷ هـم بر ضرورت پیگیری و پیداکردن سـرنخ قتل‌ها از سوی رئیس‌جمهوری و مسئولان وزارت اطلاعات تأکید کرد. ۱۵ دی مـاه، یعنی ۴۵ روز پـس از اولین قتل، روابط‌عمومی وزارت اطلاعـات با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که تعدادی از عوامل ارتکاب جنایت‌های اخیر از پرسـنل «خودسـر» این وزارتخانه بوده‌اند. ۳۱ خرداد ۷۸ حجت‌الاسلام نیازی، رئیس سـازمان قضائی نیروهای مسلح، هم‌زمان با اعلام اسامی چهار نفر از عاملان اصلی قتل‌ها به نام‌های مصطفی کاظمی، مهرداد عالیخانی، خسـرو براتی و سعید امامی، از خودکشی منجر به مرگ سعید امامی یا همان سعید اسلامی، معاون پیشین وزارت اطلاعات و از عاملان اصلی قتل ها خبر داد.

دادگاه دو سال پس از قتل‌ها در سال ۱۳۷۹ تشکیل شد و پس از ۱۲ جلسـه غیرعلنی به ریاست قاضی عقیقی، رئیس شعبه یکم دادگاه نظامی تهران، در دی ماه همان سال حکم ۱۸ متهم این پرونده را صادر کرد. بر اسـاس این حکم، چند نفر از متهمان به قصاص، برخی به حبس ابد و دیگران به حبس‌هایی از دو تا ۱۰ سال محکوم شدند. ۲۱ خرداد ۷۹ حجت‌الاسلام نیازی اعلام کرد که پرونده قتل‌های زنجیره‌ای در تاریخ سیاسـت و قضاوت کشـور استثنائی است. به گزارش ایسنا، او گفته بود: «تا آنجایی که پرونده در اختیار ما بوده، صدور حکم شـرعی محرز نشـد، چراکه اساسـا متهمان افرادی نیستند که با حکم شـرعی اقدام به قتل کنند. ما باید برای این پرونده، افرادی را انتخاب می‌کردیم که کارشناس اطلاعاتی و مورد تأیید باشند و از طرفی سـوءظن نیز ایجاد نشود. در آذرماه سال ۷۸، رؤسای قوای مجریه و قضائیه، رأسـا مسئولیت رسیدگی به پرونده را بر عهده گرفتند، زیـرا این قتل‌ها هم با امنیت ملی گره خورده و هم مهم‌تریـن وزارتخانه دولت، درگیر ماجـرا بود». نیازی با اشـاره به اختیار کامل رئیس‌جمهور در رسیدگی به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای گفته بود: «پرونده مزبور، در تاریخ قضاوت و سیاسـت ما، استثنائی اسـت، به همین دلیل هیچ مانعی برای پیگیری آقای خاتمی وجود نداشت».

رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح، کشف علت قتل‌ها و عامـلان آن را بـه اظهارنظر نهایی مسـئولان فعلی پرونده واگذار و خاطرنشـان کرد: کشیده‌شـدن این پرونده به مجامع غیرقضائـی، به دلیل عدم صلاحیت آن‌ها و افشـای اطلاعات طبقه‌بندی، صحیح نیسـت. به گفتـه او آزادی متهمان، با قرار مناسـب، با تشخیص قاضی دادگاه و تا مدت زمان تعیین شده صورت‌گرفته و آزادی، به معنای برائت نیست.

ادعای بی سند: پذیرش CFT یعنی قطع بودجه سپاه، نیروی قدس، وزارت دفاع و وزارت اطلاعات

روزنامه کیهان با حمله به منتقدان رد لایحه CFT از سـوی شـورای نگهبان نوشت:با پذیرش این کنوانسیون، ایران باید بودجه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی قدس، وزارت اطلاعات، وزارت دفاع و... را قطع کرده و تمامی حساب‌های بانکی آنها را مسدود کند!

ایـن اقـدام که «خودتحریمـی» ترجمان دیگر آن اسـت باید تحت نظارت بازرسـان کنوانسیون صورت پذیرد تا از انجام آن اطمینان کامل حاصل کنند! چه خوابی برای ما دیده‌اند که برای تصویب این لایحه ذلت‌بار سر و دست می‌شکنند؟!کیهان افزوده است: خبرآنلاین در این زمینه نوشـته که» رد لایحه CFT توسـط شورای نگهبان، آن هم در روز ۱۳ آبان، هدیه به ترامپ نیسـت؟ رئیس‌جمهور آمریکا کینه‌اش علیه ملت ایران واضح اسـت؛ آقایان شورای نگهبان که دوسـت ملتند با چه توجیهی، ملت را در این وانفسا، تحریم می‌کنند؟ پای تبعاتش می‌ایستند یا همراه بقیه دلواپسان پشت مردم را خالی می‌کنند؟»درباره این قبیل موضع گیری‌های عجیب و مشکوک باید پرسید که آیا افراد مذکور آمریکایی یا همسو با آمریکا هستند که از رد لوایح مطلوب رژیم آمریکا درباره FATF و CFT ناراحت می‌شوند؟ آیا خبر ندارند که خزانه‌داری آمریکا ضمن کنترل بر مافیای FATF (ازطریق دستیار خود) چند بار بر الحاق ایران به FATF برای کنترل معاملات و تراکنش‌های مالی ایران و اعمال تحریم دقیق‌تر و همچنین واداشتن ایران به خودتحریمی از داخل اصرار دارد؟!گفتنی است کیهان برای ادعای خود مانند تمام ادعاهای دیگرش علیه FATF و CFT هیچ بندی از کنوانسیون را به عنوان سند نیاورده است.در کنوانسیون مزبور نام نهادهای مورد ادعای کیهان نیامده است.بعلاوه برخلاف ادعای نادرست کیهان،امریکای ترامپ به همراه اسرائیل بیشترین تلاش را برای نپیوستن ایران به این کنوانسیون جهانی را کرده اند. غیر از ایران و کره شمالی هیچ کشوری از جمله سوریه، لبنان، روسیه وچین (متحدان ایران) خارج از کنوانسیون مزبور نیستند.

سازماندهی شده!

روزنامه جمهوری اسلامی در ستون (جهت اطلاع)خود نوشت:

در راهپیمایی ۱۳ آبان قم متاسفانه شعارهایی کِه رنگ و بوی اختلافات جناحی و سیاسی داخلی داشت بر شعارهای اصلی که قاعدتاً باید «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسـرائیل» و «هیهات من الذله» می‌بود، غلبه داشـت. عده‌ای که به احتمال قوی سازماندهی شده در راهپیمایی شرکت کرده بودند، تلاش فراوانی به خرج می‌دادند که شعارهای اصلی روز ۱۳ آبان را به شعارهایی علیه رقبای سیاسی خود و علیه برجام یا دولت تغییر دهند و با شعارهایی مانند «مرگ بر سازش‌کار» تلاش می‌کردند دولت و یا رقبای سیاسی خود را سازش‌کار جلوه دهند.

این اقدام، اعتـراض برخی از راهپیمایان را برانگیخت بطوری که وقتی دیدند عده‌ای مراسـم ۱۳ آبان را به صحنه تسـویه حساب‌های سیاسـی تبدیل کرده‌اند و شـعارهای انحرافی می‌دهند، مسـیر خود را تغییر داده و راهپیمایـی را ترک کردند. همچنیـن بعضـی از راهپیمایان با مشـاهده پلاکاردها و کاغذ نوشـته‌هایی که همان شـعارهای انحرافی را نشـان مـی‌داد، اقدام به پاره کـردن آنها نمـوده و از توزیع کنندگان چنین دسـت نوشـته‌هایی خواسـتند دسـت از اختلاف انگیزی میان مردم و مسئولین بردارند.

تذکر لاریجانی به روحانی درباره یک تصمیم مهم بانکی

روزنامه همدلی در ادامه خبرها نوشت:طبق نامه روزهای اخیر علی لاریجانی به رئیس جمهور، با اشـاره به مصوبه مهم هیئت دولت در خصوص سـود پرداختی به بانک مسکن، متذکر شـده با توجه به الزامات درج شـده در ماده ۱۷ قانون برنامه ششـم توسعه، هرگونه افزایش سـرمایه دولت در بانک های دولتی دارای بار مالی خواهد بود، بخشـی از مصوبه مذکور به علت تعیین روشی خاص برای افزایش سرمایه دولت در این بانک بر خلاف مفاد مصوبات مجلس، مغایر قانون بوده و باید ظرف یک هفته اصلاح یا ابطال شود.

پاسخ سعید حجاریان به عباس عبدی

روزنامه شـرق در یادداشـتی به قلم سـعید حجاریان نوشت:دوست گرامی، آقای عباس عبدی در یادداشتی با عنوان «خرافه یا بیماری؟» (روزنامه اعتماد، ۲۲ مهر ۱۳۹۷) انتقاداتی را نسبت به یادداشتی به قلم این‌جانب که با عنوان «یک مرید ناآگاه به از هفت پارچه آبادیست!» (امتداد، ۲۰ شهریور ۱۳۹۷) منتشر شد، مطرح کرده و ذیل آن نکاتی را درباره علل پناه‌بردن مردم به خرافه و چگونگی برخورد با این مقوله بیان داشتند.

خلاصه آن نکات به قرار زیر اسـت.یکم) خرافه کارکرد دارد، دوم) خرافه ضرری به کسی نمی‌رساند، سوم) مادامی که خود با بعضی خرافات دست به گریبان هستیم، نباید به یمانی و امثالهم انتقاد کنیم و چهارم) از تجویز بستری‌شدن در آسایشگاه روانی، نتایج بسیار خطرناکی [شاید فاشیسم] حاصل می‌شود.

گمان می‌رود در مواجهه با معضل خرافه باید سـه سـطح اجتماع، قانون‌گذاری و اجرائی را از یکدیگر تفکیک کرد.

۱- اجتماع: در این سطح نسبت به جمیع باورها باید هاضمه‌ای قوی داشت، هرچند ممکن است بعضی ادعاها و گرایش‌ها مورد پسند ما واقع نشود. در کنار باورها و آیین‌ها، شاهد رواج گروه‌های یوگا، بودیسم، ذن و از این قبیل موارد هستیم و نمی‌توانیم مردم را از گرایـش به آنهـا بازداریم. چنانچه گرایش‌هایی از این جنس رونق بگیرند، مادامی که سیاسی و به گروه ذی‌نفوذ تبدیل نشده‌اند، به مردم ضرر نرسانده‌اند، همچون هندوها -که بعد از مرگ شـوهر، همسر را می‌سوزانند- و بسـان برخی رفتارها مانند قمه‌زنی جنبه آسیب‌رسـانی ندارند، نباید با آنها برخوردی صورت داد. علی‌ایحال، در سـطح اجتماعی می‌توان و باید تحمل داشـت؛ زیرا در سایر کشورهای جهان نیز چنین گروه‌هایی فعالیت دارند و حتی کسب درآمد می‌کنند.

۲-قانون‌گذاری: چنانچه گروه‌ها از مختصات بند پیشین فراتر روند، به نظر می‌توان قوانینـی وضع کرد و آنهایـی را که به کلی خارج از هنجارهـای متعارف جامعه رفتار می‌کنند، مورد تعقیب قرار داد. برای مثال، اگر بنا شـد همجنس‌بازان در ایران دسـت به راهپیمایی بزنند، پلیس باید آنها را از این عمل باز دارد؛ زیرا در جامعه عملی خلاف عرف صورت گرفته و عده‌ای این‌گونه اعمال را برنمی‌تابند و برای مقابله، دسـت به خشونت می‌زنند. حال ممکن است آقای عبدی از قمه‌زنی بپرسند؟ در پاسخ باید گفت این عمل نیز باید مورد پیگرد قرار گیرد؛ چراکه وهن اسلام است و حتی به لحاظ اخلاقی هم شکافتن سـر انسان به‌خصوص در مورد کودکان جایز نیست. دوست گرامی‌مان در یادداشت خود آورده‌اند: «فراموش نکنیم مخالفت با ایده‌های درست نیز از همین زاویه آغاز می‌شود که صاحبان قدرت آنها را نادرست و حتی خرافه قلمداد و معرفی می‌کنند». شاید نظر آقای عبدی این است که حرف‌های گالیله در زمان خود خرافی تلقی می‌شد، ولی بعدا ثابت شد او درست می‌گفته است. در این صورت، باید میان علم، شبه‌علم، دین، فلسفه و... فاصله گذاشـت؛ زیرا بعضی از موضوعات قابل اندازه‌گیری و سنجش علمی هستند، اما بعضی امور به باورها و قضاوت‌های ما بازمی‌گردند و از جنس ایمان‌اند. از این جهت، باید میان علم و ایده‌های علمی و عرف و بدعت‌های آیینی که در مناسـک بروز می‌کند، تفکیک قائل شـد. چنانکه می‌دانیم، چند دهه پیش حدود ۹۰۰ نفر به فرمان پیشـوای فکری‌شان جیم جونز، دسـت به خودکشی دسـته‌جمعی زدند. آیا نباید جونز را مورد پیگرد قانونی قرار می‌دادند تا از جان افراد صیانت کنند؟ از این جهت، معتقدم سیستم قضائی باید پیش از اقـدام، موضـوع را رتق‌وفتق و فرد خاطی را مورد تعقیب قرار دهد تا خسـارت را به حداقل برسد.

۳-اجرائی: در بحث حاضر، چند وظیفه بر عهده قوه مجریه است؛ اول آنکه دولت اساسا نباید اجازه دهد نطفه چنین خرافاتی شکل بگیرد. از این رو باید در بدو پیدایش به نحو مقتضی جامعه را نسبت به خرافه آگاه کند، به مردم آموزش دهد و به‌مرور دکان‌های خرافـه از اوراد و حـرز تا فـال قهوه و طالع‌بینی را تعطیل کند نـه آنکه خود مروج آن شود. برای مثال، دولت ما به‌رغم آنکه می‌داند لاتاری به لحاظ علمی و آماری به ضرر مردم است، می‌تواند به بهانه‌ای نظیر کارآفرینی صاحب لاتاری! یا سرگرم‌کردن مردم به امیدهـای واهی اجازه فعالیت دهد، اما چرا چنین جوازی را صادر نمی‌کند و تحت عنوان بخت‌آزمایی، دست به توزیع بلیت اعانه ملی نمی‌زند و مردم مستأصل را جذب نمی‌کند؟ با این کار، افراد از هر طبقه‌ای بنا به وسـع خود دسـت‌به‌کار می‌شـوند و بخت خود را می‌آزمایند. واقعیت آن اسـت که در آمریکا -که لا